

در آستانه هفتمین سال جنگ ایران و عراق

در پشت جبهه‌های نبرد ناعادلانه

این، نبردی است بین جانسان
از دوسوی ؟
نبردی تا جمهوری استعمار
استوار باشد
نبردی تا جنایت خود را
جاودانه بنماید
در دوسوی ؟

اما کارگران خواهند دانست
که بیروبرانه‌های این کشتار
برجم‌پیروز مندگار
به اهتزاز در نخواهد آمد مسدود
اما بزهنگان خواهند دانست
در پس این شبانگهان خونباران
جا به‌ای گرم از آفتاب فتح‌نشان
برتن نخواهند کرد
اما گرسنگان خواهند دانست
در فرجام این شب‌ویرانی
کاسه‌ای از شیر سپیده‌دم‌رها بی
نخواهند نوشید

آنگاه از دوسوی
دها نه‌ای گرسنه
گرسنه‌تر فریادهای عادلانه‌نشان را
بر خواهند کشید

و از دوسوی
کارخانه‌های محترض
سی تاب‌تر
توفان سرخ را بنها خواهند داشت

و از دوسوی
کشتزارهای محروم
با خشم با دهای عادلانه
بما خواهند غمناست

و آنگاه
آنگاه دهان میلیون‌نوی توده‌ها
بر این نبرد عادلانه
تف خواهند گسود!

بردها نه‌ای گرسنه می‌گویند
در پشت دو جبهه نبرد
کارخانه‌های بی‌تاب را طناب پیچ میکنند
در پشت دو جبهه نبرد
زخمیل‌های خالی را به سکوت می‌خوانند
در پشت دو جبهه نبرد
به کشتزارهای محروم فرمان می‌رانند
مفس در سینه حبس‌کنند
در پشت دو جبهه نبرد ...
و اینهمه بی‌نیت آری
تا بر جبهه‌شوم این نبرد
تف کنیم ؟



سرداران سرمایه
با یونیفرم‌های عنایت رژه می‌روند
با یونیفرم‌های جنایت
که هنوز قطره‌های خون تازه رنجبران
بر آن
نقش بسته است

گردانهای ارتجاع
قدراست می‌کنند
وبسی مها با
از با دگانهای خیانت

به بیرون می‌خزند
گردانهای ارتجاع
که هنوز از دود موف سرکوبگرشان
بر پهن‌دشت خلقها خون جاری است
و جان‌نشان کهنه‌کار
ابنبار

با نشانهای افتخار
بی‌آنکه از تللیک غم‌توده‌ها به‌راسند
بروشهای توهم‌مردم
لم می‌دهند

و اینهمه بی‌نیت آری
تا نمره بر آرم

۳۱ شهریور امسال، جنگ ایران و عراق وارد هفتمین سال خود میشود بی آنکه کسی چشم اندازی نزدیک برای پایان آن بباید. شش سال این آسیاب جهنمی با خون و رنج و تلفات زحمتکشان و وکشی و ایسران و عراق چرخیده و برای مردم هر دو کشور تباهی مسا و فقر زیادتر، فجایع، تحمیق ها و عقب ماندگیهای بیشتر را بیار آورده است. شش سال کارگران را از کارخانه ها و دهقانان را از کشتزارها و حیوانات را از دانشگاهها و مدارس و انتشار گوناگون مردم را از خانه و محل کار خود بمیدان های جنگ ویرانگر کشانده اند تا رژیمهای ارتجاعی هر دو کشور بر پا بمانند، تا جیب سرمایه داران جهانی و داخلی بیش از پیش انباشته شود، تا خطر انقلاب کارگران و زحمتکشان در این منطقه حساس از کارآئی ببینند، تا با اصطلاح "انقلاب اسلامی" خمینی صادر شود یا برجم "فاد سپه صدام" بر فراز عربستان اشغال شده " (خوزستان) با هتزاز درآید، تا امپریالیستها بر سر تقسیم منافع خود در منطقه استراتژیک خلیج به توافق جدید دست یابند، تا ۰۰۰ تا ۰۰۰ ویدیهی است که بازنده اصلی در این میان نه بورژوازی و ارتجاع بلکه کارگران و زحمتکشان و فرهنگ و رشد اقتصادی و اجتماعی در هر دو کشور هستند. ۰۰۰ کوهی از نابسامانیها و موانع رشد فرهنگی و اجتماعی، بیماریها و مفاسد و دهها سال عقب ماندگی همه جانبه در انتظار مردم هر دو کشور است. اینها همه نقد است غیر مشروط، اما اینکه اینها همه بحد خود تبدیل شوند، اینکه این جنگ بصورت طناب دار علیه هر دو رژیم ارتجاعی درآید، و اینکه در نتیجه این جنگ بر آگاهی های توده ها افزوده تر شود و قیامی یا حرکتی دیگر از آن برآید مشروط به تکوین و تشکل آلترناتیوی از طبقه ای دیگر با ایدئولوژی و چشم اندازی دیگر است این واکنش، این درسگیری و این آنتی تزمنی تواند بدید آید مگر آنکه بر نقد رادیکال از پیش گذشته ویراندیشه ای نوین متکی باشد تا با سلاحی بر توان و تحرك و سازماندهی نویسی

به نبرد با جنگسازان موجود برخیزد. اکنون ببینیم چرا جنگ تا این حد توانسته طول بکشد؟ آنچه که به رژیم امکان داده که جنگ را تا این حد طولانی ادامه دهد منجمله عوامل زیر است:

۱- سنتها و توهّمات مذهبی: درك این مسأله که رژیم روی اهداف و شعارهایی مثل رسیدن به کربلا و رمز "یا زهرا" و قرارگاه "خاتم الانبیا" و "کربلای ۱ و ۲ و ۳ و ۴" تکیه می کند برای کسی که اخبار ایران را از دور هم بشنود آسان است اما آنچه مهم است و باید دید قدرت افسونگری است که مذهب در طی قرنهای درازان سادۀ مرسوم بویژه در روستاها و اقشار سنتی جامعه داشته و هنوز هم بطور نسبی داراست. جمله معروف مارکس که "دین افیون توده ها است" در کمتر جایی مثل ایران مصداق یافته است، دین بعنوان مسکن دردهای درمان نشده و نیز مخدری ویرانگر و در هر دو حالت خود بنفیع سرمایه داران و بضرر کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی است.

امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت حیاتی بودن کار آگاهانه کمونیستی برای مبارزه اصولی با خرافات و خشکاندن باتلاقی که در آن کرمها و جانورنی مثل "ولی فقیه" بوجود می آید آشکار شده است این وظیفه سترگ در ابعاد تبلیغی و ترویجی و تشکیلاتی و در عرصه فلسفی، سیاسی، اقتصادی بعهدۀ کمونیستها قرار میگیرد و این امری است که یا کمتر بدان توجه شده و یا بناد درست پیاده شده که خود معلول عدم درك کمونیستی است.

۲- عوامل سرکوب: رژیم از عامل سرکوب شدید نیز برای ادامه جنگ حد اکثر استفاده را میکند. این امر در کنار عوامل دیگر موجب شده است که عکس العمل اعتراض و مخالفت علیه جنگ جز در اشکال فرار از سرپازی یا ابراز نگرانیها و در دلها خصوصی، بشکل دیگری مثلاً "اعتصاب گسترده یا امتناعهای دستجمعی از رفتن به جنگ بروز نکند. در موارد مشابه که در کشورهای دیگر رخ داده، اعتراضات فردی سمبلیک مثل خود سوزی یا شلیک بروی فرماندهان و عملیات تخریبی رخ داده است (مثلاً در ویتنام در اعتراض به حضور امریکائیه و دست نشاندهان آنها) در اینجا منظور مانع توصیه چنین اقدامات فردی بلکه اشاره به اشکال اعتراضی است که گاه به ابتکارات خود توده های بجان آمده میتواند صورت گیرد و ما تا کنون شاهد این حد از اعتراض توده های نبودیم. این امر نشان میدهد که

قدرت رژیم در تحمیق و سرکوب و حشویه تا کنون تا حد زیادی توانسته است خواست توده‌ها را در نطفه نگه دارد .

اما بدون شك عملکرد این قدرت جهانی تا دیر زمانی نخواهد بایستد . پایه‌های رژیم بسیار سست شده آگاهیه‌های توده‌ها در تجربه روزانه بالا رفته و ملموس بودن مفاسد و محاسن آن که این رژیم ببار آورده چشم انداز سقوط این وضع را روشنتر ساخته است . امروز ضرورت تحریم جنگ و محکم کردن آن بعنوان يك درگیری ارتجاعی بین دو رژیم ارتجاعی ، کوه از سوی نیروهای رادیکال چپ (مثل سازمان پیکار) از روزهای اول جنگ مطرح می شد . پیش از پیش بر مردم روشن شده است . امروز نادرستی توهمانی که جهت دفاع از - میهن یا حمایت از " انقلاب " در برابر " ضد انقلاب مهاجم " مطرح می شد ، آشکارتر شده است . امروز دیگر پس از ۶ سال تمام جنگ ، جز آن بخش از رژیم که جنگ را مساله مرگ و زندگی خود میدانند و بدون آن سرنوشت و ایدئولوژی و نظام اسلامی اش را در معرض خطر می بیند کسی از ادامه جنگ حمایت نمی کند ، و ثابت شده است که بورژوازی مسلح به چماق و افيون مذهب نیز جز خسارت و ویرانی و فلاکت و مرگ و عقب ماندگی هیچ ارمانی برای توده‌های ستمدیده ایران ندارد . باید از این موقعیت استفاده کرده ، کل بورژوازی و اهداف بورژوازی را برای کارگران و زحمتکشان افشان نمود ، باید در تشویری و براتیک ، طبقه کارگر را یاری داد که در تحولات اجتناب ناپذیر آتی نقش واقعی خویش را در براندازی نظام و جایگزین کردن نظامی که بسمت سوسیالیسم حرکت کند ایفا نماید .

در حاشیه حقایقی که طی این ۶ سال روشنتر از پیش شده و تغییری که در مواضع نیرو - های سیاسی ایران در رابطه با جنگ از روزهای نخست تا کنون پدید آمده ، جنگ دارد سازمانهایی که موضع نادرست دفاع طلبانه اولیه خود را به موضع ارتجاعی دانستن جنگ و تحریم آن تبدیل کرده اند ، این تغییر موضع خود را با نقد موضع اولیه خویش همراه کنند .

امروز ، ارتجاعی بودن این جنگ چنان وضوح یافته که دیگر کسی نمی تواند آنرا نبیند . اکثریت قریب باتفاق سازمانهای سیاسی ایرانی که امروز با تأکید بر نتایج جنگ ، این جنگ را محکم می کنند ، روزی که این جنگ آغاز شد چنین موضعی و چنین درک و دیدی از آن -

نداشتند و آنرا بنحو دیگری تحلیل میکردند و آنها هم که تردید میکردند سرانجام بی —
بهره‌واری خودی همسومی شدند و این همسویی را بنام دفاع از منافع کارگران یادفناضد
انقلاب مغلوب به گوش هواداران و توده‌های که صدایشان را می شنید فرو میکردند .

عوامل متعددی در زمان شروع جنگ می توانست حقیقت را از چشم توده‌ها پنهان
دارد . سازمانهای سیاسی هم از همان جامعه برخاسته بودند و میتوانستند در خود همه
آن ضعفها و انحرافات و ماهیتهای بهره‌روائی را نمایندگی کنند . اینکه " سازمانهای چپ نیز
مثل عقب مانده‌ترین توده‌ها ، بشیوه‌ای کاملاً " امپریستی به ماهیت جنگ پی
ببرند تنها اثبات عقب ماندگی آنهاست اما اینکه آنها به نقد خود نشینند و به انتقاد از خود
نیردازند و به توده‌ها راست نگویند ، آنان را فرسنگها از مارکسیسم و منافع توده‌های
کارگر و زحمتکش دور نشان میدهد . این عدم برخورد ، ماهیت امپریستی آنان را بنمایزگذارند .

ما در این بررسی کوتاه به توهم براکتی ها ، توجیه کاری ها و در واقع خیانت‌های حزب
توده و سازمان مجاهدین که در آنروزها زیر پرچم " ضد امپریالیستی " امام سینگازند
و بعنوان دو جریان سیاسی مهم چه در واقعه سفارت و چه در زمان جنگ هر چه از دستشان
بر آمد در خدمت به رژیم انجام دادند تا به اهداف بهره‌روائی خود برای مهار کردن انقلاب
و سوار شدن بر موج و کسب قدرت سیاسی بهر قیمت ، نائل شوند ، کاری نداریم ، حساب آنها
جدا بوده و هست . از سازمان اکثریت نیز که برای شرکت در جنگ به تبلیغ و ترویج پرداخت
و دستجاتی از خود را به جنگ فرستاد و خود به پاسداران رژیم و جاسوسان و شکنجه گران
اوین پیوست کاری نداریم ، به حزب رنجبران نیز که رویزینویسم سه جهانی خود را بی —
حمایت از کل یا بخشی از رژیم (باصطلاح بهره‌رواری ملی برهبری بنی صدر) نشان داد
نیز اشارهای نمی کنیم . سخن از کسانی است که تا آن حد سقوط نکردند و بدلالی که
چه بسا تغییر ماهوی در تحلیل طبقاتی — ایدئولوژیک آنان نمی دهد . ولی تا همین اندازه
هم مهم است و باید آنرا دید — خود را در چارچوبی خاص نگه داشتند . بیان مواضع این
سازمانها در رابطه با جنگ ایران و عراق چه بود ؟

— سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در کار ۷۸ در عین حال که بدرستی

می نویسد: " به اعتقاد ما جنگی که اکنون بین دو دولت ایران و عراق در گرفته و ملیونها دلار بظرفین خسارت وارد آمده و هزاران نفر از توده های بی سلاح در آن کشته و زخمی شده اند و بسیاری از تأسیسات صنعتی و کشور در هم کوبیده شده است، خلاف منافع خلقها و زحمتکش هر دو کشور است (ص ۳)

اما وقتی نوبت به اتخاذ تاکتیک در مقابل این جنگ می رسد ناگهان موضعی دفاع - طلبانه می گیرد و می نویسد:

" ما هر جنگی را محکم نمی کنیم . ما در تبال هر گونه تجاوزی و از جمله تجاوزات عراق، به تسلیح توده ها تحت رهبری ارگانهای توده ای معتقدیم و نه ارتش ضد خلقی و رهبری بورژوازی (ص ۴) .

در اینجا این سؤال مطرح می شود که اگر جنگ خصلت طبقاتی دارد و ادامه سیاست است پس چگونه است که در اینجا بجای حرکت از موضع طبقاتی ، بیک موضع بورژوازی افتاده و مسأله " تجاوز " و " دفاع " را مطرح می نماید؟ اگر قرار است که مردم ایران علیه " تجاوز " عراق از خود دفاع کنند پس لازم است که توده های عراق نیز در مقابل " تجاوزات " ایران از خود دفاع کنند ، که در چنین صورتی میتوان گفت جنگ ارتجاعی و بورژوازی را توجیه کرده و باین ترتیب توده ها تشویق می شوند که در رکاب بورژوازی شمشیر بزنند .

در نشریه کار ۷۸ (همان ص ۴) از مبارزه ارگانهای توده ای علیه هر گونه تجاوز و سیاست الحاق ارضی و از جمله عراق سخن گفته می شود و اینکه بالاخره " با تشکیل هسته های مسلح ، بطور مستقل به دفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جنگ زده برخیزید " (همانجا) بخوبی روشن است که منظور عبارت است از شرکت در این جنگ منتها از زاویه " دفاع طلبی " انقلابی " و یا " حفظ صف مستقل " .

همین نشریه کار ۷۸ ، شعار " تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ داخلی " را با توجه به شرایط آن زمان ، چپ روانه و آنارشستی ارزیابی میکند در صورتیکه این شعار که بیکار آنرا مطرح کسرد بعنوان یک شعار ترویجی که مطابق با تاکتیک انقلابی در رابطه با جنگهای ارتجاعی و امپریالیستی است کاملاً درست بوده و هست .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که موضع خود را در این رابطه بدون

نقد تغییر داده، امروز بدون توجه به مواضع گذشته‌اش در اعلامیه اخیر خود تحت عنوان: "قیام مسلحانه: راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ" مورخه شهریور ۱۳۶۵- می نویسد: "امروز نیز پس از گذشت شش سال از آغاز جنگ ۰۰۰ تا کید می کشیم که تنها راه نجات از شرفر و ۰۰ جنگ ویرانی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ۰۰۰ است."

* * *

و "راه کارگر" در ضمیمه شماره ۱۱ خود نوشت: "در عین حال که رژیم کنونی ایران را خلقی نمیدانیم و معتقدیم که در صورتی که بازگشت رژیم منحوس شاهنشاهی و یا امکان دخالت مستقیم امیرالیسم (از طریق کودتای نظامی و از طرق دیگر) مطرح باشد همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی بایستی برای مبارزه با آن در کنار همین رژیم کنونی قرار گیرند و با تمام نیرو از تحقق این فاجعه جلوگیری کنند."

راه کارگر در صفحه ۴ همان ضمیمه نوشت:

"در مقطع کنونی، سنگر عمده مبارزه انقلابی، مبارزه در برابر تجاوز امیرالیسم و متحدان آنست. هر نوع عمده کردن مبارزه با ارتجاع کنونی در لحظات کنونی، انحراف از الزامات مبارزه انقلابی است که در عمل به تضعیف مواضع (!) مردم (!) ما در برابر امیرالیسم منتهی خواهد شد."

و ادامه میدهد:

"نیروهای انقلابی بایستی ابتکار انقلابی توده‌ها را در جهت دفاع از میهن و استقلال سیاسی کشور بسیج کنند و سازمان دهند. ولی هرگز نباید در لحظات کنونی افشاگری علیه رژیم را عمده کنند" (همان ص ۴) در ادامه چنین تحلیل و مواضعی بود که راه کارگر - "سازمان کارگران انقلابی ایران" - در نشریه "راه کارگر" شماره ۴۵ همصدا با رژیم جمهوری اسلامی، حزب توده و اکثریت که شعار ضرورت افزایش تولید سر میدادند - نوشت "افزایش تولید ضروری است" (ص ۹) و تا آنجا پیش میرود که از کارگران می خواهد "۱۲ ساعت کار" کنند و "۸ ساعت حقوق" بگیرند. راه کارگر این بیگاری را تشویق کرده

آترا * فداکاری قابل ستایش * میخوانند (همانجا)
اما مسلم است که امروز راه کارگر ، کلمه‌ای در باره آنچه می‌گفته نمی‌گردد .

* * *

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر ، که بر اساس تحلیل خود از رژیم حاکم (که آنرا ضد خلقی و در عین حال ضد امپریالیست میدانست) موضعی دفاع طلبانه اتخاذ کرد - (شماره های ۳۰ تا ۳۴) ، بخاطر ناهمگونیهای درونی اش و بحرانی که همزمان با اتخاذ موضع نسبت به جنگ برایش پیش آمده بود دچار چند دستگی و سرانجام تلاشی گردید . بخشی از رهبری و اعضای این سازمان که این درک و موضعگیری را فرموله کرده و بر آن پستی فشرده سرانجام به مواضعی نظیر مواضع حزب توده رسیدند و آنانکه این مواضع آشکارا رویزپونیستی را قبول نداشتند به درکهای دیگر منجمله درک سازمان پیکار و موضع تاکتیکی آن دایره بر ارتجاعی بودن د رژیم و تحریم جنگ ارتجاعی و افشاکاری اهداف آن ، رسیدند ، بخشی هم موضع دفاع طلبانه ام ک را طرفداری نمودند .

* * *

اتحاد مبارزان کمونیست (ام ک) ، در روزهای بعد از جنگ طی یک بیانیه تحت عنوان " تهاجم رژیم عراق و وظایف ما " موضعی اتخاذ کرد که خلاصه آن این است :
اولاً " کارگران انقلابی ایران هیچگونه خصومت و اختلاف منافعی با کارگران و زحمتکشان عراق ندارند .

ثانیاً " کارگران و زحمتکشان ایران جنگ حاضر را جنگی میان د وحومت سرمایه داری ارزیابی میکنند که در پیر آیند خود در خدمت سرکوب و ممانعت از بسط دامنه انقلاب ایران قرار دارد . ولذا در مقابل جنگ و سرمایه داران از انقلاب و دستاورد های آن دفاع می کنند . (پستی سوسیالیسم شماره ۳ آبان ۵۹)
ام ک که خواستار شرکت کارگران در جنگ می شود از رژیم می خواهد که کارگران را مسلح

کند و شعار میدهد که " سرمایه‌داران هزینه جنگ را خودتان بپردازید ". و بمبهایتان را بر سر خودتان بریزید ". بدین ترتیب ام‌ک به پذیرش ضرورت شرکت در جنگ از موضع " دفاع از انقلاب و دستاورد های آن " می‌رسد که چیزی جز دفاع از رژیم جمهوری اسلامی نیست و در ادامه این موضع است که شعار " تحریم جنگ و تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ به جنگ داخلی علیه بورژوازی هر دو کشور " را که بیکار مطرح میکرد آنارکو پاستیفیس می‌خواند.

* * *

سازمان بیکار موضع نخستین خود را که موضعی دفاع طلبانه بوده و در نشریه بیکار شماره ۲۳ مورخه ۳۱ شهریور ۵۹ (روز شروع جنگ) منتشر شده در ضمیمه همان شماره مورد انتقاد از خود و تصحیح قرار میدهد . گزارش این تغییر موضع در بیکار تئوریک شماره ۱ - آبان ۵۹ آمده است . موضع بیکار و تحلیل و عملکرد آن در قبال جنگ را کلیه نیروهای سیاسی ایران میدانند و ما در اینجا به تکرار آن تحلیل و موضعگیری نمی‌پردازیم .

تنها اشاره‌ای به عکس‌العمل رژیم و برخی از گروه‌های سیاسی نسبت به مواضع آن‌روز بیکار می‌کنیم :

روزنامه اطلاعات مورخه ۲۲ مهر ماه ۵۹ (در حالیکه کمتر از یکماه از شروع جنگ گذشته بود) سر مقاله خود را به حمله کینه توزانه به بیکار اختصاص داد که ما فقط برخی از نقاشی های آنرا از نظر خوانندگان میگردانیم :

" گروهک وحشی که " شاه " کاری دیگر ببار آورده ،
" در جنایت وی شرمی سنگ تمام گذارده ،
" فاحشه های سیاسی مزدوری که امریکا آنها را بعزایده گذارده است ،
" ماجراجویانی که بنویس مارکسیسم لنینیسم لات ! و گانگستری ! ایمان آورده اند ،
" پادوهای امریکا ،
" خائنان شماره یک و ۰۰۰ و ۰۰۰ .

از عکس‌العمل گروه‌های سیاسی در قبال موضع بیکار نیز به دو نمونه اشاره می‌کنیم یکی موضع " اتحادیه کمونیستها " که بیکار را " ضد انقلابی " خواند و دیگری موضع ام‌ک که در بسوی

آنها " فداکاری قابل ستایش " میخوانند (همانجا)
اما مسلم است که امروزه راه کارگر ، کلمه‌ای درباره آنچه میگفته نمی گوید .

* * *

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر ، که بر اساس تحلیل خود از رژیم حاکم (که آنها را ضد خلقی و در عین حال ضد اسرالیست میدانست) موضعی دفاع طلبانه اتخاذ کرد - (شماره های ۳۰ تا ۳۴) ، بخاطر ناهمگونیهای درونی اش و بحرانی که همزمان با اتخاذ موضع نسبت به جنگ برایش پیش آمد ، بود دچار چند دستگی و سرانجام تلاشی گردید . بخشی از رهبری و اعضای این سازمان که این درک و موضعگیری را فرموله کرده و بر آن پای فشرده سرانجام به موضعی نظیر مواضع حزب نموده رسیدند و آنانکه این مواضع آشکارا رویزونیستی را قبول نداشتند به درکهای دیگر منجمله درک سازمان بیکار و موضع تاکتیکی آن دایره ارتجاعی بودن و رژیم و تحریم جنگ ارتجاعی و افشارگی اهداف آن ، رسیدند ، بخشی هم موضع دفاع طلبانه ام ک را طرفداری نمودند .

* * *

اتحاد مبارزان کمونیست (ام ک) ، در روزهای بعد از جنگ طی یک بیانیه تحسنت عنوان " تهاجم رژیم عراق و وظایف ما " موضعی اتخاذ کرد که خلاصه آن این است :
اولاً " کارگران انقلابی ایران هیچگونه خصومت و اختلاف منافی با کارگران و زحمتکشان عراق ندارند .

ثانیاً " کارگران و زحمتکشان ایران جنگ حاضر را جنگی میان دو حکومت سرمایه داری ارزیابی میکنند که در برآیند خود در خدمت سرکوب و ممانعت از بسط دامنه انقلاب ایران قرار دارد . ولذا در مقابل جنگ و سرمایه داران از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می کنند . (بسوی سوسیالیسم شماره ۳ آبان ۵۹)
ام ک که خواستار شرکت کارگران در جنگ می شود از رژیم می خواهد که کارگران را مسلح

سوسیالیسم " شماره ۳ آبان ۵۹ پیکار را آقای کمونیست "، آنارکو باسیفیست، و اینکه پیسکار
" برای به تسلیم کشاندن بیولتاریا در مقابل پرورش بورژوازی " کوشش میکند . و اینکه " معنای
طبقاتی این باسیفیسم نیز چیزی نیست جز خد متگزاری در آستان بورژوازی . " (هما نجما
صفحه ۱۹)

* * *

هر چند موضع پیکار در رابطه با جنگ در مقایسه با دیگر جریانات چپ از صحت نسبی
برخوردار بوده و منطبق با واقعیت مادی قرار داشته اما توان " تغییر جهان " که رسالت
کمونیستهاست نیاز به اتکا* بر خط مشی و جهان بینی کمونیستی دارد که تنها از طریق
فائق آمدن بر بحران جنبش چپ در عرصه ملی و بین المللی متصور است .

گام برداشتن در جهت دستیابی به این تحلیل از پروسه انتقاد و انتقاد از خود که
ابتدائی ترین گام در این جهت است می گذرد . تا زمانیکه سازمانهای سیاسی به توجیه
مواضع گذشته و انحرافی خود بپردازند و یا آنطور که در مواردی دیده شده ، " انتقاد از خود
را موجب بی اعتباری یک جریان سیاسی پیش توده ها ! " ارزیابی کنند ، جنبش ما قدمی
به جلو نخواهد گذارد . نقد ریشه ای وایدئولوژیک دهها سال تجربه فنی جنبش در سطح
ملی و بین المللی : اینست آنچه برای چپ ما حیاتی است . تنها با چنین نقدی میتوان و
باید به سوی فراداهای روشن سوسیالیسم نقب زد .

زنده باد انقلاب !

زنده باد سوسیالیسم !

دانشجویان ایرانی در فرانسه

هوادار سابق سازمان پیکار

۳۱ شهریور ۶۵